

ضمیمه این شماره:
ویژه نامه مقالات اقتصادی
«نباید از ثروتمند شدن افراد
بترسیم»


«مجله تجارت فردا» در ششمین شماره خود، گفت وگویی با «دکتر محمد مهدی بهکیش» با عنوان «نباید از ثروتمند شدن افراد بترسیم» ترتیب داد. در این گفت و گو تحلیل این اقتصاددان را از گزارش ثروت جهانی و همچنین جایگاه ایران را در جهان می‌خوانید. در ویژه‌نامه مقالات اقتصادی، شماره ۱۹- ضمیمه بولتن هفتگی کمیته ایرانی، شماره ۱۹، متن کامل این مصاحبه از نظر تان می‌گذرد.

در این شماره می‌خوانید:

- نخستین جلسه پرسش و پاسخ در دفتر خدمات مشورتی کمیته ایرانی ICC تشکیل شد
- کنفرانس جهانی رهبران کسب و کار در چین
- برگزاری کنفرانس جهانی رهبران کسب و کار در دوبلین
- سمینار «شرایط پرداخت وجه در قرارداد فروش بین‌المللی» توسط کمیته ایرانی ICC برگزار شد
- فراخوان سمینار اعتباراسنادی قابل انتقال چیست؟ اعتبار اسنادی اتکایی کدام است؟
- نقشه راه مالکیت معنوی ICC در استان پرتغالی‌ها
- معرفی کتاب: «مجموعه مقررات اتاق بازرگانی بین‌المللی برای حل و فصل اختلافات تجاری» ویژه نامه مقالات اقتصادی، شماره ۶، شهریور ماه ۱۳۹۱

نخستین جلسه پرسش و پاسخ در دفتر خدمات مشورتی
کمیته ایرانی ICC تشکیل شد

اولین نشست پرسش و پاسخ دفتر خدمات مشورتی کمیته ایرانی ICC، در روز دوشنبه برابر با ششم شهریورماه ۱۳۹۱ در طبقه سوم اتاق بازرگانی تهران برگزار شد.

این نشست که با رهبری «محمد صالح ذوقی» و «مجید زند میرآلوند» و حضور تنی چند از فعالان کسب و کار در ساعت ۱۴، در روز ششم شهریور تشکیل شد، به پاسخگویی و ارائه راهکارهای کارشناسی در راستای حل مشکلات حاضرین در جلسه پرداخت.

نخستین نشست پرسش و پاسخ کمیته ایرانی ICC، با توضیحات آقای ذوقی درباره اتاق بازرگانی بین‌المللی، کمیته ایرانی ICC، خدمات فعالیت‌ها و کمیسیون‌های آن آغاز شد و سپس وی به معرفی دفتر خدمات مشورتی کمیته ایرانی ICC پرداخت و به این موضوع اشاره کرد که این دفتر از اواخر فروردین ماه ۱۳۹۰، به منظور بهره‌مندی اعضای کمیته ایرانی ICC، از مشاوره‌های تخصصی بدنه‌های کارشناسی در حوزه‌های بیمه، بانکی، قراردادی، حمل و نقل، حقوقی و داوری شروع به فعالیت کرده است.

در ادامه، وی آماری را درباره دفتر خدمات مشورتی کمیته ایرانی ICC، به حضار ارائه داد. این آمار از طریق پرسشنامه تکمیل شده توسط مراجعین به این دفتر تهیه شده است.

سپس، سوالاتی را درباره جایگاه و نحوه عملکرد ICC در حل اختلافات مطرح کرده و پاسخ گرفتند.

در ادامه، حاضرین یک به یک مشکلات خود را در قالب سوال مطرح کرده و آقایان ذوقی و زند به آنها پاسخ دادند.

بخش اعظم مسائل مطرح شده در این نشست در زمینه مشکلات پیش روی شرکتها در شرایط تحریم و فشارهایی که به تجار ایرانی برای مبادله کالا و تأمین مالی وارد می شود، بود.



همچنین، سولاتی درباره تامین مالی در حوزه انرژی و انرژی سبز پرسیده شد و کارشناسان به آنها جواب دادند. مبادله و انتقال پول به شرکت‌های اروپایی، از دیگر مسائلی بود که مراجعه‌کنندگان به عنوان مشکل خود مطرح کرده و جویای راهکاری عملیاتی جهت رفع شدند که پیرو آن، از سوی کارشناسان این نشست پاسخ گرفتند.

رویدادهای ICC

کنفرانس جهانی رهبران کسب و کار در چین



کنفرانس جهانی رهبران کسب و کار در روز جمعه ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۲ برابر با تاریخ هفتم مهرماه ۱۳۹۱ در پکن، چین برگزار خواهد شد.

رئیس ICC، جerald ورمز (Gerald Worms) و رئیس افتخاری آن ویکتور فانگ (Victor Fung)، از ICC چین برای برگزاری این کنفرانس که در فردای روز اولین جلسه هیئت اجرایی ICC در پکن تشکیل می شود کمک خواسته‌اند.

این کنفرانس که یکی از مهم‌ترین وقایع پاییز ICC است به میزبانی شهردار پکن و رئیس شورای چینی جهت ارتقای تجارت بین‌المللی برگزار می‌شود. هدف از برگزاری این سمینار، ایجاد فرصت برای اعضای هیئت اجرایی و تعدادی از تجار غیرچینی دعوت شده، جهت دیدار و گفتگو پیرامون مسائل اصلی مربوط به کسب و کار در چین و مبادله آن اطلاعات با رهبران سیاسی آن کشور عنوان شده است.

در این نشست مسائلی چون تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی، تامین مالی کسب و کار و رشد اقتصادی که در برگیرنده ایجاد تعادل بین مقررات مالی و نوآوری است، مورد بررسی واقع می‌شود.

برگزاری کنفرانس جهانی رهبران کسب و کار در دوبلین



، در تاریخ ۲۸ ICC سمینار بین‌المللی اتاق بازرگانی بین‌المللی درباره قوانین داوری ۲۰۱۲ سپتامبر ۲۰۱۲ برابر با هفتم مهرماه ۱۳۹۱ در دوبلین، ایرلند برگزار می‌شود.

در این سمینار، تغییرات پدید آمده در مقررات داوری مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این سمینار فرصتی استثنایی برای شرکت‌کنندگان جهت بهره‌مندی از دیدی جامع درباره مقررات داوری ICC خواهد بود.

«شرایط پرداخت وجه در قرارداد فروش بین‌المللی» توسط کمیته ایرانی ICC برگزار شد



براساس آمارهای منتشر شده در رسانه‌های ملی و نشریات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۸ ارزش صادرات کشور به رقمی حدود ۸۷ میلیارد دلار رسیده که حدود ۷۰ میلیارد دلار آن سهم صادرات نفت و حدود ۱۷ میلیارد دلار بقیه، به صادرات غیر نفتی تعلق دارد. در همین سال حدود ۶۷ میلیارد دلار کالا به کشور وارد شده که سهم واردات گاز و فرآورده‌های نفتی حدود ۷ میلیارد دلار و حدود ۶۰ میلیارد دلار آن سهم کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای شده است. بدیهی است نحوه پرداخت و دریافت ارزش کالاهای وارداتی و صادراتی قاعدتاً نباید خارج از روش‌های رایج پرداخت وجه در

معاملات بین‌المللی باشد، یعنی بخشی از ارزش کالاهای صادراتی از طریق عملیات اعتبارات اسنادی صادراتی و بخش دیگر با استفاده از روش وصولی و دیگر روش‌های رایج دریافت شده است. در بخش واردات نیز پرداخت وجه با استفاده از همین روش‌ها و البته افزایش سهم پیش پرداخت یا آنچه که در مکاتبات بین خریدار و فروشنده دیده می‌شود، یعنی TT صورت



گرفته است. اما به راستی دلایل استفاده از این روش‌ها چیست؟ و مکانیزم آنها چگونه است و چه خطرات و ریسک‌هایی در این‌گونه معاملات نهفته است و مهم‌تر از همه اعمال تحریم‌های اقتصادی توسط سازمان‌های بین‌المللی و قدرت‌های بزرگ چه محدودیت‌ها و تاثیری بر روش‌های پرداخت وجه در تجارت خارجی کشور می‌گذارد؟ سمینار شرایط پرداخت وجه در قرارداد فروش بین‌المللی فرصتی را برای بررسی مسائل فوق و به بحث گذاشتن این دغدغه‌های تجاری فراهم کرد. تعاریف، مکانیزم و توصیه‌های کاربردی در بکارگیری روش‌های رایج پرداخت وجه و تلاش در ارائه راه‌حل‌های کارشناسی از جمله اهم مواردی بودند که در سمینار شرایط پرداخت وجه در قرارداد فروش بین‌المللی مورد بحث قرار گرفت.

سمینار «شرایط پرداخت وجه در قرارداد فروش بین‌المللی» توسط کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) و با حضور "محمد صالح ذوقی" مدیر ارشد خدمات مشورتی کمیته ایرانی ICC و عضو دو کمیسیون بانکداری و حقوق بازرگانی

اتاق بازرگانی بین‌المللی پاریس (ICC) و "مجید زند میرآلوند" مشاور ارشد خدمات مشورتی کمیته ایرانی ICC، روز شنبه ۴ شهریور ماه سال جاری در سالن اجتماعات طبقه هشتم اتاق ایران برگزار گردید.



«محمد صالح ذوقی» در مقدمه سخنان خود به موضوع مشکلات پرداخت بانکی بازرگانان و عوامل بروز آن اشاره کرد و با تأکید بر این که ICC سازمانی غیرسیاسی، غیردولتی و غیرانتفاعی است، توسعه تجارت بین‌المللی و کمک به رشد تجارت، ایجاد ضوابط و مقررات متحدالشکل بین‌المللی و آموزش مبانی تجارت بین‌المللی را از جمله اهداف اصلی بنیانگذاران اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) برشمرد. سپس پیرامون دفتر خدمات مشورتی کمیته ایرانی اتاق ICC و فعالیت‌های آن دفتر توضیحاتی را ارائه داد. وی در ادامه به معرفی نمونه قرارداد فروش ICC و بیان نکات کاربردی آن برای شرکت‌کنندگان پرداخت.

انواع روش‌های پرداخت وجه در معاملات بین‌المللی، بررسی و تحقیق شرایط بازار و خریدار، ارزیابی ریسک‌های معامله، تصمیم‌گیری، اقدام، انواع روش‌های رایج پرداخت، روش پیش پرداخت، مقررات و ضوابط بین‌المللی، روش‌های کاهش ریسک در خرید و فروش‌های خارجی و روش‌های جایگزین پرداخت وجه در تجارت بین‌المللی از جمله مهم‌ترین رئوس مباحث مطرح در این سمینار یک‌روزه بود.

در این همایش، جلسه پرسش و پاسخ برگزار شد.

فراخوان سمینار اعتبار اسنادی قابل انتقال چیست؟ اعتبار اسنادی اتکایی کدام است؟



مقررات متحدالشکل اعتبار اسنادی UCP600 مقرراتی است که اگر شمول آن در اعتبار درخواست شده باشد، در مورد هر اعتبار لازم الاجرا است. این مقررات برای همه طرف‌های ذی‌ربط الزام‌آور است، مگر این که صریحاً در شرایط اعتبار اصلاح یا مستثنی شده باشد.

اعتبار اسنادی قابل انتقال معمولاً هنگامی مورد استفاده قرار می‌گیرد که ذی‌نفع اعتبار، تمام یا قسمتی از کالای مورد اعتبار را تهیه نمی‌کند و لذا مایل است بخشی یا تمام مسئولیت‌ها و حقوق خود را به ذی‌نفع دیگری که کالا را تهیه می‌کند، انتقال دهد.

کمیسیون بانکداری کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) در نظر دارد سمیناری را تحت عنوان «اعتبار اسنادی قابل انتقال چیست؟ اعتبار اسنادی اتکایی کدام است؟» برگزار نماید.

اعتبار قابل انتقال: اعتباری است که «قابل انتقال» بودن آن مشخصاً در اعتبار ذکر شود. اعتبار قابل انتقال ممکن است بنا بر درخواست ذی‌نفع کلاً یا جزئاً در اختیار ذی‌نفع دیگر (ذی‌نفع دوم) قرار گیرد.

اعتبار اتکایی: در پاره‌ای موارد متقاضی نمی‌تواند با افتتاح اعتبار قابل انتقال موافقت کند زیرا:

شرایط موافقت نامه‌های منعقد شده بین خریدار و تولید کننده متفاوت بوده و نمی‌تواند نیازهای طرفین را برطرف کند و یا خریدار و فروشنده نهایی مایل نیستند که مخاطرات موجود در اعتبارات قابل انتقال را بپذیرد. در چنین شرایطی، یک اعتبار اتکایی شاید بتواند جایگزین مناسبی باشد.

در این سمینار که برای آشنایی دست‌اندرکاران شبکه بانکی و عملیات ارزی، حمل و نقل کنندگان، صاحبان کالاها، صادرکنندگان و واردکنندگان محصولات، با موارد فوق، تنظیم شده، سعی گردیده تا با مروری در مواد مختلف UCP600 برای شرکت کنندگان روشن ساخته و با توجه به توصیه‌های ICC از بروز اختلافاتی که از این بابت دامن‌گیر دست‌اندرکاران یا کاربران اعتبار اسنادی و حمل و نقل بین‌المللی می‌گردد جلوگیری به عمل آورد.

سخنرانان: سرکار خانم فریده تذهیبی - جناب آقای فریدون شیرازی

زمان: یکشنبه، ۲ مهر ماه ۱۳۹۱ ساعت: ۸:۳۰ الی ۱۲:۳۰

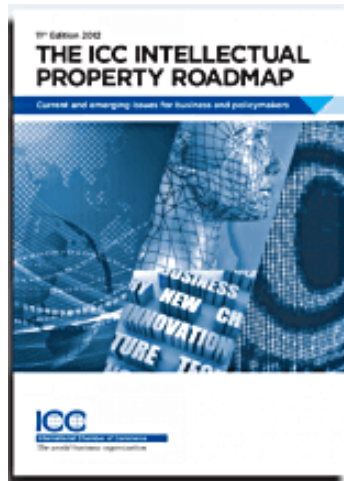
محل برگزاری: خیابان طالقانی شماره ۱۷۵، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران

ارتباط با دبیرخانه: تلفن: ۸۸۸۹۹۲۸۳ فکس: ۸۸۸۹۳۰۸۴ ای-میل: ICCIran@icc-iran.com

از علاقمندان دعوت می‌شود برای نام‌نویسی در سمینار فوق، هزینه شرکت در سمینار (مبلغ ۹۵۰,۰۰۰ ریال برای اعضای کمیته ایرانی و ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال برای غیراعضا) را حداکثر تا تاریخ چهارشنبه ۲۹ شهریور ماه ۱۳۹۱ به شماره حساب ۱۵۵۰۰۵۰۰۹۲ کد شناسه ۹۱۰۷/۰۸ نزد بانک ملت شعبه وزارت نفت (کد ۶۳۲۵/۵۵) به نام کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی واریز و اسامی شرکت کنندگان را به همراه تصویر فیش واریزی به دبیرخانه کمیته ایرانی ارسال کنند.

نقشه راه مالکیت معنوی ICC در استان پرتغالی‌ها

نسخه پرتغالی نقشه راه مالکیت معنوی ICC، که بهترین نشریه مالکیت معنوی (IP) ICC است با عنوان مسائل رایج و در حال ظهور فعالان کسب و کار و سیاستگذاران، در سی و دومین کنگره بین‌المللی انجمن برزیلی مالکیت معنوی (ABPI) که در تاریخ ۲۶ تا ۲۸ آگوست برگزار شد، انتشار یافت.



در سی و دومین کنگره بین‌المللی انجمن برزیلی مالکیت معنوی (ABPI) که در تاریخ ۲۶ تا ۲۸ آگوست برگزار شد، نسخه پرتغالی نقشه راه مالکیت معنوی ICC، که بهترین نشریه مالکیت معنوی (IP) ICC است با عنوان مسائل رایج و در حال ظهور فعالان کسب و کار و سیاستگذاران انتشار یافت.

نقشه راه مالکیت معنوی حاصل مشارکت کارشناسان و اعضای ICC در سراسر دنیا بوده و همچنین ابزاری مفید برای کمک به متخصصان کسب و کار، سیاست و مسائل حقوقی در سراسر جهان می‌باشد که به سرعت همگام با چشم‌انداز در حال تکامل مالکیت معنوی حرکت می‌کند. ترجمه این دوسالنامه به پرتغالی، که تقریباً از زمان تهیه آن آغاز شده است، بیانگر حمایت و تعامل ICC با جامعه کسب و کار و پرتغالی زبان می‌باشد.

انتشار نسخه پرتغالی نقشه راه مالکیت معنوی (IP) ICC که به عنوان صنعت و دولت در برزیل، که بزرگ‌ترین اقتصاد پرتغالی زبان را دارا می‌باشد، تلاش‌ها جهت ترویج استفاده از IP را به عنوان ابزاری برای حمایت از نوآوری و رشد تشدید می‌کند. مالکیت معنوی (IP) توسط دولت و صنعت برزیل، که دارای ششمین اقتصاد بزرگ در دنیا می‌باشد معرفی شده است. در تازه‌ترین جدول اقتصاد جهان، برزیل، مرکزی برای تحقیقات اقتصادی و کسب و کار است که از آن به عنوان عنصری اصلی برای بهبود نوآوری و رشد یاد می‌شود.

پیتر دی. سیمنسن (Peter D. Siemsen)، سفیر منطقه‌ای کمیسیون مالکیت معنوی ICC در آمریکای مرکزی و لاتین گفت: «برزیل بر این مسئله آگاه است که رقابت در بازار جهانی لازم است و حمایت از مالکیت معنوی، بنیانی ضروری برای ترویج نوآوری می‌باشد. نسخه پرتغالی نقشه راه مالکیت معنوی ICC به سیاستگذاران و فعالان کسب و کار در کشورهای پرتغالی زبان کمک می‌کند تا مفهوم جهانی سیاست توسعه مالکیت معنوی و تأثیر احتمالی آن را درک کنند.»

در مقدمه نقشه راه، دبیرکل ICC، ژان گای کرییر (Jean-Guy Carrier) و رئیس کمیسیون مالکیت معنوی ICC، دیوید کریس (David Koris) بر افزایش تمایل به IP در کسب و کار و دولت‌ها در سراسر جهان و در مراحل مختلف توسعه اقتصادی کشورها تأکید کردند:

«تغییر در چشم‌انداز جغرافیایی - اقتصادی منجر به تمایل رو به افزایش در عملکرد IP می‌شود که می‌تواند به عنوان ابزاری جهت ایجاد رشد پایدار اقتصادی در اقتصادهای در حال ظهور به دنبال ایجاد پایه‌های اقتصادی آنها هم اندازه با اقتصادهای بالغ‌تر که خواستار حفظ مزیت رقابتی خود در بازار جهانی هستند مورد استفاده قرار گیرد.»

نقشه راه مالکیت معنوی که هر دو سال یکبار به زبان‌های مختلف اعم از عربی، چینی، فرانسوی، آلمانی، روسی، اسپانیایی، ترکی و اکراینی ترجمه و منتشر می‌شود.

معرفی کتاب:



«مجموعه مقررات اتاق بازرگانی بین المللی برای حل و فصل اختلافات تجاری»

کتاب «مجموعه مقررات اتاق بازرگانی بین المللی برای حل و فصل اختلافات تجاری»، ترجمه «دکتر محسن محبی» و «الهام انیسی» از سوی کمیته ایرانی ICC چاپ و روانه بازار کتاب شد. این کتاب مشتمل بر مجموعه قواعد شیوه‌های جایگزین برای حل اختلاف (همراه با راهنمای ADR)، قواعد کارشناسی، قواعد حل و فصل اختلافات ناشی از ابزارهای بانکی اسنادی و قواعد هیأت‌های حل اختلاف است.

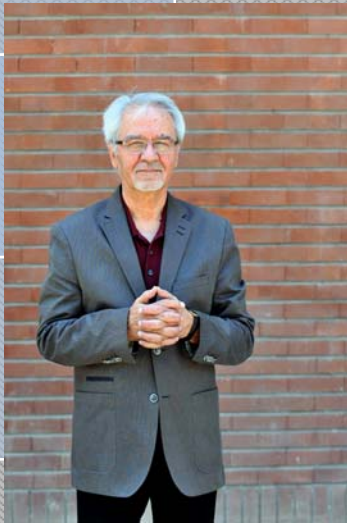
حل و فصل اختلافات و دعاوی تجاری در اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) جایگاه خاصی دارد و باید آن را در شمار ویژگی‌های اصلی ICC دانست. نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی که از سال ۱۹۲۳ راه‌اندازی شده، امروزه پیشگام داوری تجاری در سطح بین‌المللی است. اما تنوع و تحول در روابط و قراردادهای تجاری و استفاده از شکل‌های جدید معاملات و قراردادهای باعث شده که نوع و ماهیت اختلافات تجاری نیز تنوع و گستردگی بیشتری پیدا کند که حل و فصل آنها نیز مستلزم شیوه‌ها و روش‌های خاص و متنوع می‌باشد.

اتاق بازرگانی بین‌المللی از این مهم غافل نبوده است و متناسب با این تحولات، روش‌های گوناگون حل اختلافات تجاری را تدارک دیده و برای آنها قواعد لازم را تهیه و تدوین کرده است. روش‌هایی مانند ارجاع امر به کارشناس، روش‌های جایگزین برای حل و فصل دعاوی (موسوم به ADR)، هیأت‌های حل اختلاف برای قراردادهای پیمانکاری و امثال آنها از جمله شیوه‌های جدید حل اختلافات تجاری است که اتاق بازرگانی بین‌المللی برای هر یک از آنها مقررات و قواعدی را تنظیم و منتشر کرده است.

کتاب حاضر، مجموعه‌ای از مقررات اتاق بازرگانی بین‌المللی برای حل و فصل دعاوی و اختلافات تجاری است که به زبان فارسی ترجمه و منتشر شده است. پیش از این، قواعد داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی همراه با شرح آن توسط «دکتر محسن محبی» به فارسی ترجمه و از سوی کمیته ایرانی ICC منتشر شده بود. اینک با ترجمه و انتشار سایر مقررات اتاق برای حل و فصل اختلافات تجاری، مجموعه کاملی از مقررات اتاق بازرگانی بین‌المللی در زمینه خدمات حل و فصل اختلاف در اختیار جامعه تجاری و نیز اساتید، وکلا و حقوقدانان کشور قرار می‌گیرد.

نباید از ثروتمند شدن افراد بترسیم

تحلیل گزارش ثروت جهانی و جایگاه ایران در گفت‌وگو با محمد مهدی بهکیش



«مجله تجارت فردا» در ششمین شماره خود، گفت‌وگویی با «دکتر محمد مهدی بهکیش» با عنوان «نباید از ثروتمند شدن افراد بترسیم» ترتیب داده است. در این گفت‌وگو تحلیل این اقتصاددان را از گزارش ثروت جهانی و همچنین جایگاه ایران را در جهان می‌خوانیم. در ویژه‌نامه مقالات اقتصادی، شماره ۶- ضمیمه بولتن هفتگی کمیته ایرانی، شماره ۱۹، متن کامل این مصاحبه از نظرتان می‌گذرد.



نیاید از ثروتمند شدن افراد بترسیم

تحلیل گزارش ثروت جهانی و جایگاه ایران در گفت‌وگو با محمدمهدی بهکیش

مجله تجارت فردا - (۲۱ مردادماه ۱۳۹۱)
دکتر محمد مهدی بهکیش، اقتصاددان ایرانی

«باید خصومت را کنار بگذاریم.» «باید اجازه دهیم تا افراد ثروتمند شوند و از قدرتمند شدن آنها هراس نداشته باشیم. بدانیم توزیع ثروت و قدرت نه تنها به دولت آسیب وارد نمی‌کند بلکه از ضربه‌پذیری آن نیز می‌کاهد.» این جملات توصیه‌های محمدمهدی بهکیش است. اقتصاددانی که به بهانه انتشار گزارش ثروت جهان در سال ۲۰۱۱ توسط موسسه کردیت سوئیس به دفترش رفتیم تا تحلیل و تفسیرش را بشنوم. گزارشی که اگرچه برابر آن وضعیت ثروت خانوار در کشور ما رتبه متوسطی دارد اما هنوز در میان ملت‌هایی که در آینده ثروت و قدرت جهانی را در دست خواهند گرفت جایی برایش در نظر گرفته نشده است. دبیرکل اتاق بازرگانی بین‌الملل که سوابق تحصیلی، کاری و پژوهشی‌اش نشان می‌دهد جزء بهترین گزینه‌ها برای تحلیل این گزارش است توزیع ثروت در جهان را نامتعادل می‌داند و معتقد است که برخلاف باورهای پیشین خودش در مورد اخذ مالیات‌های سنگین از درآمدهای بالا اکنون آن را راه‌حل می‌داند چرا که اولویت‌های اقتصاد تغییر کرده است. محمدمهدی بهکیش با تاکید بر جریان انتقال ثروت و به تبع آن قدرت از غرب به شرق، لاینحل ماندن مسائل ما با دنیا را خواسته و دلخواه رقیبان در منطقه می‌داند. دکتر بهکیش که در آمریکا درس اقتصاد خوانده سال‌هاست با قرار گرفتن در راس کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌الملل از فرآیند جهانی شدن حمایت می‌کند و برای توسعه تجارت بین‌الملل می‌کوشد.

• گزارشی که تحت عنوان ثروت جهانی در سال ۲۰۱۱ توسط بنگاه پژوهش‌های کردیت سوئیس منتشر شده حاوی داده‌ها و اطلاعات جالب توجهی است که می‌تواند از جوانب مختلف مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد. می‌خواهم در شروع صحبت برداشت و تحلیل‌تان از این گزارش و به ویژه مقایسه وضعیت کشورهای منطقه با اقتصاد کشور خودمان را بدانم.

من این گزارش را به دقت خوانده‌ام و نکات بسیار زیادی هم از آن استخراج کرده‌ام که به نظرم قابل توجه است. اگر چه شاید در ابتدا چنین برداشت شود که گزارش‌هایی از این دست موضوع اقتصاد روز دنیاست ولی مساله اقتصاد ما نیست اما در واقع با آنچه به عنوان پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم ثروت بر اقتصاد می‌دانیم، اهمیت این موضوع بیش از پیش پررنگ می‌شود. همچنین منحصربه‌فرد بودن این گزارش از این لحاظ که به ثروت خانوار توجه کرده بسیار مهم است. یعنی به رغم اینکه تمام توجه‌ها معمولاً به تولید ناخالص داخلی یا ملی و در نهایت سرانه آن معطوف شده یا ثروت بنگاه‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد، در این گزارش که توسط موسسه کردیت سوئیس و مدیرعامل شرکت بانکداری خصوصی آن تهیه شده، ثروت خانوار در مرکز توجه قرار گرفته است. همان طور که می‌دانید تولید ناخالص داخلی مجموع ارزش افزوده‌ای است که طی یک دوره در اقتصاد

ایجاد می‌شود و درآمدی را نصیب مردم می‌کند. بخشی از این درآمد هزینه و بخشی هم به عنوان دارایی حفظ می‌شود. این گزارش راجع به دارایی‌هاست که تعریف آن در این گزارش آمده است. ارزش خالص دارایی خانوار یا ثروت عبارت است از مجموع ارزش دارایی‌های منقول یا مالی مثل اوراق سهام و دارایی‌های غیرمنقول مثل مسکن و تاسیسات منهای بدهی‌ها. همچنین در این گزارش بزرگسالان ۱۴ یا ۱۶ سال به بالا مدنظر قرار گرفته‌اند و در نتیجه جمعیت دنیا دیگر هفت میلیارد نیست و چیزی حدود ۴/۵ میلیارد نفر را در بر می‌گیرد. در این گزارش همچنین به موضوعاتی چون هرم ثروت، توزیع منطقه‌ای و توزیع سنی ثروت هم پرداخته شده و رابطه ثروت را در طول زمان به درآمد هم معین کرده به طوری که این رابطه در آمریکا یک‌چهارم اعلام شده است. یعنی درآمد سالانه هر فرد به طور متوسط یک‌چهارم دارایی اوست. در بقیه جهان هم این رابطه یک‌پنجم یا یک‌ششم است. همچنین بدهی افراد نسبت به درآمدها نیز لحاظ شده به ترتیبی که خانوارها حداکثر دو برابر درآمد سالانه‌شان بدهی دارند. اما آنچه به عنوان نکته مهم و یا شاید بارزترین جنبه این گزارش استنباط می‌شود گسترش عدم تعادل ثروت در نیمه دوم قرن بیستم و تغییر جهت آن در یکی دو دهه گذشته در دنیاست.

• اهمیت این داده‌ها و آمارها در چیست؟ این که در یک کشور یا منطقه جغرافیایی مردم ثروت بیشتری دارند بیانگر چه چیزهایی است؟ یا اینکه از برندگان و بازندگان ثروت نام برده شده چه توضیحی در خود دارد؟

البته اهمیت این داده‌ها بسیار بالاست. ببینید همین داده‌هاست که نشان می‌دهد در یک کشور که خانوارها ثروتمند هستند، پشتوانه ریسک کردن بالاست. یعنی ثروت خانوارها پشتیبان و به اصطلاح تضمین‌کننده ریسک است. از لحاظ اجتماعی ثروت بالاتر پشتیبان دوران بازنشستگی است و به از بین بردن بیکاری و تحمل آن و داشتن جامعه سالم‌تر منجر می‌شود. به علاوه از لحاظ اقتصادی هم منجر به کارآفرینی و سرمایه‌گذاری می‌شود که یا به صورت مستقیم و یا به صورت وثیقه‌ای این کار صورت می‌پذیرد.

اما این گزارش چند نکته مهم را هم که تاکنون بحث نشده بود عنوان می‌کند. اول جابه‌جایی ثروت است. جابه‌جایی ثروت که به تعبیری جابه‌جایی قدرت را هم به دنبال دارد، هم‌اکنون در حال رخ دادن است. به طوری که ثروت خانوار از سمت غرب به سمت شرق و کشورهای چین، هند و ترکیه و آمریکای جنوبی حرکت می‌کند. نکته دوم هم متمرکز بودن ثروت است. به طوری که ۵۰ درصد ثروت دنیا در دست کمتر از یک درصد مردم است. این همان عدم تعادلی است که به آن اشاره داشتم. عدم تعادل در ۵۰ سال آخر قرن گذشته گسترده‌تر شده به نوعی که تداوم این روند غیرقابل تحمل است و باید تغییری در روند دنیا ایجاد شود که شروع آن را در دهه گذشته می‌توان دید. برای اینکه اهمیت این قبیل پژوهش‌ها و ارتباط آن با اقتصاد روز دنیا مشخص شود توضیحی در مورد این عدم تعادل می‌دهم. می‌خواهم پیوندی بین جهانی شدن و جابه‌جایی ثروت نیز ایجاد کنم. در اجلاس اخیر شورای جهانی اتاق بازرگانی بین‌المللی که در آن شرکت داشتم آقای «دومینیک موسی» در مورد درآمدها به نکته جالبی اشاره کرد. او گفت در دهه ۱۹۷۰ نسبت درآمدهای پایین به بالا در اروپا یک به ۴۰ بوده اما این نسبت اکنون یک به ۴۰۰ است. او در این مورد تعبیر جالبی هم داشت که من می‌خواهم دقیق از قول خودش نقل کنم که می‌گفت یا جهانی شدن در جایی اشتباه بزرگی مرتکب شده که حالا باید بنشینیم و آن را پیدا و اصلاح کنیم یا اینکه باید فاز را تغییر بدهیم و اگر می‌خواهیم اقتصاد بازار پایدار بماند دست به تعدیل ثروت بزنیم. یعنی باید از یک فاز جهانی شدن به سمت یک فاز دیگر برویم.

برابر این گزارش کسانی که بین ۱۰ تا ۱۰۰ هزار دلار درآمد داشته باشند دارای ثروت متوسط در نظر گرفته شده‌اند که تعدادشان نیز به تدریج افزوده می‌شود. این گزارش نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۱ نیمی از دارندگان ثروت‌های متوسط جهان در چین و هند متمرکز شده‌اند. بر این اساس افراد بسیاری نیز در ایران در این بازه و بالاتر از آن جای می‌گیرند چون درآمد و دارایی افراد در شهرهای بزرگ کشور ما از این حدود بالاتر است. بنابراین در آسیا طبقه متوسط با ثروت متوسط در حال

افزایش است. از کنار هم گذاشتن این گزارش و فرآیند جهانی شدن به این نتیجه می‌رسیم که افزایش درآمد و ثروت در این منطقه، نتیجه جهانی شدن بوده است. همچنین جهانی شدن مزایای زیادی برای کشورهای در حال توسعه داشته است. برخلاف آن تعبیری که جهانی شدن را ساخته دست امپریالیسم می‌داند که برای چپاول کشورها به دست توسعه یافته‌هاست این گزارش نشان می‌دهد که جهانی شدن بیشتر از آنکه به نفع کشورهای توسعه یافته باشد برای کشورهای در حال توسعه منفعت داشته است. اما باید پذیرفت که جهانی شدن معایبی هم داشته که مهم‌ترین آن تمرکز ثروت است که برابر گفته آقای موسی باید به نوعی حل شود و یکی از راه‌حل‌های آن مالیات‌های تصاعدی از درآمدهای بالاست. ثروت‌های بالا را نیز باید با مالیات‌های بالا تعدیل کنند که ممکن است هزینه‌هایی هم داشته باشد. چرا که منجر به کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری در دارندگان درآمدهای بالا می‌شود. اقتصاددان‌هایی که طرفدار جهانی شدن هستند از جمله خود من، پیش از اینها با مالیات‌های تصاعدی برای درآمدهای بالا مخالف بودند. چون معتقد بودند نباید کارایی قربانی شود و یا اینکه وضع مالیات‌های سنگین بر درآمدهای بالا انگیزه و کارایی را از بین ببرد. اما اکنون وضعیت غیرقابل تحمل شده و به قول آقای موسی در اتاق بین‌الملل ثبات اقتصاد جهان را به خطر انداخته است پس باید این کار صورت بگیرد.

• یعنی تغییر عقیده دادید یا اینکه اولویت عوض شده است؟

نمی‌توان گفت تغییر عقیده داده‌ایم چون هنوز هم معتقدیم جهانی شدن فرآیندی است که منفعت همه در آن است. به علاوه کشورها در حال آزادسازی با سرعت بیشتریند. مثل منطقه آزاد تازه اعلام شده در چین، ژاپن و کره در ماه می سال جاری. من فکر می‌کنم وارد یک فاز جدید شده‌ایم و حالا اولویت عوض شده و باید برای از بین بردن تمرکز ثروت تن به وضع مالیات‌های تصاعدی بدهیم حتی اگر تبعات سنگینی همچون کاهش کارایی‌ها داشته باشد. چون الان زمانی است که باید تمرکز غیرقابل تحمل ثروت را از میان برداریم و نمی‌توان با دلایل گذشته با آن مخالفت کرد؛ و جالب اینجاست که روند تغییرات خود این حرکت را شروع کرده است.

• این مشابه همان چیزی نیست که اکنون در قالب سیاست‌های ریاضتی در اروپا اعمال می‌شود؟

سیاست‌های ریاضتی مربوط به دولت‌هاست و اتخاذ این سیاست‌ها کاملاً اجباری بوده است. در حال حاضر تلاش به سمت کاهش مصرف معطوف شده و برای این کار باید تقاضا را کاهش داد. مسلماً کاهش تقاضا و به تبع آن عرضه، منجر به افت تولید و کارایی هم خواهد شد. به عبارت دیگر اتفاقی که در یونان در حال رخ دادن است برای کاهش کسری بودجه دولت است. یعنی با ثروت‌های شخصی کاری ندارند. هزینه‌ها را کاهش داده‌اند تا کسری بودجه دولت جبران شود. همان گونه که اشاره شد به نظر من در تعدیل فرآیند جهانی شدن نیازمند اتخاذ سیاست‌های تصاعدی مالیاتی برای درآمدهای بالاست. یعنی مالیات بیشتر از درآمد یا ثروت بیشتر که در این شرایط اروپا به بودجه دولت‌های درگیر هم کمک می‌کند. ولی نکته قابل توجه آنجاست که نگرانی در یونان و اسپانیا بسیار بیشتر از ایتالیاست زیرا انباشت ثروت خانوار در ایتالیا بسیار بیشتر از یونان است که این گزارش هم به آن اشاره دارد. پشتوانه ثروت بیشتر خانوار در ایتالیا موجب می‌شود تحمل تعدیل‌های فعلی را بیشتر داشته باشد.

• در صحبت‌هایتان به گسترده شدن بازه افرادی که ثروتی بین ۱۰ تا ۱۰۰ هزار دلار دارند اشاره کردید. می‌توان آن را به نوعی همان طبقه متوسط محسوب کرد؟

طبقه متوسط در کشورهای در حال توسعه و همچنین کشورهای نوظهور در حال افزایش است. یعنی انتقال ثروت و قدرت در حال شکل‌گیری است. این طبقه متوسط اثرات فراوانی بر روی آینده جهان خواهد گذاشت چرا که طی دهه‌های آینده اثر این

قشر بر تحولات اقتصادی و سیاسی جهان غالب خواهد بود. مهم این است که ما هم می‌توانیم جزء کشورهای باشیم که در این انتقال ثروت و قدرت سهیم باشیم. اما با مشکلاتی مواجهیم که مانع از این کار می‌شود. از آنجایی که کشورهای منطقه و همسایه رقیب ما در جذب این قدرت و ثروت فعال هستند به نظر می‌رسد نمی‌خواهند مسائل فعلی ایران حل شود چرا که در غیر این صورت ایران جزء کشورهای برتر منطقه می‌شود و مهمی پیدا می‌کند. همان جایگاهی که ترکیه و هند این روزها به دنبال آن هستند. در حالی که جایگاه کشورهای مثل عربستان سعودی و کویت که سال‌هاست تنها به خام‌فروشی پرداخته‌اند و تنوع اقتصادی قابل‌اعتنایی ندارند عقب‌تر خواهند رفت. در حال حاضر هند می‌تواند برای ما و ما برای او نقش بسیار مهم و استراتژیکی ایفا کنیم و در این برهه از زمان در امور بین‌الملل و تجارت بین‌الملل کمک شایانی به یکدیگر کنیم.

• چرا کشورهای مثل هند و ترکیه و چین که در شرایطی هم سطح و یا پایین‌تر از ما قرار داشتند در دهه گذشته چنین جهشی را تجربه کردند که از لحاظ تمام شاخص‌های اقتصادی پیشروی کرده‌اند و در این قبیل گزارش‌ها آینده روشنی برای اقتصادشان متصور می‌شود اما ما نتوانستیم چنین تصویری از خودمان به دنیا بدهیم؟

در کشور ما چه در حکومت قبلی و چه در دوران بعد از انقلاب تبدیل ثروت به قدرت نداشتیم. حکومت‌های ما طی تاریخ در مقابل ثروت افراد و خانوار ایستاده و موضع گرفته‌اند. طی ۴۰۰ سال گذشته خانواده‌ای را نمی‌بینیم که ثروتش سه نسل به جا مانده باشد و بتواند این ثروت را در بیش از سه نسل انتقال دهد. چون همیشه در مقطعی حاکمیت وارد شده و این ثروت را به دلایل یا بهانه‌های مختلف از آنان گرفته است. این شده که امروز ما فاقد بخش خصوصی قدرتمند هستیم. تشکیل ثروت خانوار در ترکیه بسیار بهتر بوده و همین، پشتوانه توسعه آنها قرار گرفته است. در ترکیه می‌بینید که ثروت ده نسل انتقال یافته و حفظ شده است. در اروپا ثروت یک خانواده در ۵۰ نسل دست به‌دست گشته و همچنان حفظ و افزوده شده است. کشورهای مثل ترکیه با این کارها در دهه آینده بسیار قوی‌تر خواهند شد. چرا که ما از ثروتمند شدن افراد جلوگیری کرده‌ایم. در صورتی که افراد ثروتمند هستند که می‌توانند به رشد اقتصادی کشور و سرمایه‌گذاری کمک کنند و مسوولیت نیز بر عهده بگیرند. هر چه تعداد ثروتمندان بیشتر شود مسوولیت هم در بین آنها توزیع می‌شود و این به رشد کمک خواهد کرد. کاری که دولت باید انجام دهد اجرای جدی قانون و از بین بردن رانت است.

• به هر حال ثروت قدرت می‌آورد و توزیع ثروت باعث توزیع قدرت هم خواهد شد که اگرچه پدیده مبارکی است اما نهاد دولت هیچ وقت علاقه‌ای به آن نداشته و ندارد. درست است؟

درست است که دولت می‌تواند خودش تنها ثروتمند باشد و صاحب قدرت اما تمام مسوولیت حفاظت از آن هم بر دوش خودش قرار می‌گیرد. همان اندازه که از بالا بودن ثروت و مکنت خودش خوشحال می‌شود باید نسبت به مسوولیت بالایش هم نگران باشد. وقتی اجازه توزیع ثروت و ماندگاری آن در بین نسل‌ها را بدهد، وقتی با آزادسازی‌ها و خصوصی‌سازی‌ها زمینه انتقال ثروت به بخش خصوصی و قدرت گرفتن آن را بدهد در واقع مسوولیت زیادی را از روی دوش خود برداشته و در سطح جامعه توزیع کرده است. درست است که قدرت هم توزیع می‌شود اما امنیت بسیار بالایی ایجاد می‌شود. فکر کنید در آن صورت همه به دنبال حفظ و ایجاد امنیت هستند تا قدرت و ثروتشان حفظ شود. این را در مورد روابط بین‌الملل هم باید بگوییم. اگر ما درست عمل می‌کردیم و می‌گذاشتیم سرمایه‌گذاران خارجی سرمایه‌گذاری کنند در مرزها یا در منطقه خلیج فارس با مشارکت شرکت‌های خارجی پروژه‌ها را اجرا می‌کردیم و به بهره‌برداری می‌رساندیم الان هیچ کس در دنیا جرات نداشت حرف از جنگ بزند. منافع مشترک به هیچ قدرتی اجازه این کار را نمی‌داد. وقتی منافع کشورهای بزرگ به منافع ما گره خورده بود آن وقت هیچ کس در دنیا هیچ حرفی از جنگ و حمله و بی‌ثباتی نمی‌زد. ما باید اجازه دهیم تا ثروت و قدرت توزیع شود و سعی کنیم افراد ثروتمند در جامعه مسوولیت‌پذیر شوند.

• در جامعه ما در مورد ثروت موارد بعضاً متناقضی به چشم می‌خورد که شاید بد نباشد در مورد ریشه اقتصادی آن هم سخن بگوییم. اینکه از طرفی فشارهای اقتصادی زیاد شده و مردم با اینکه به گفته شما و بر اساس داده‌های این گزارش از نظر دارایی متوسط هستند زیر این فشارها قرار می‌گیرند. از طرف دیگر وسایل لوکس و مجلل مانند خودروهایی که قیمت‌های بسیار بالایی دارند به طرز قابل توجهی زیاد شده‌اند. بعضاً ماشین‌هایی که تا یک میلیون دلار ارزش دارند و در یک دهه قبل کمتر از انگشت‌های یک دست بودند این روزها در اغلب خیابان‌ها به چشم می‌خورند. این نتیجه چیست؛ ثروتمند شدن کلیت جامعه یا توزیع نابرابر ثروت؟

تقریباً می‌توانم بگویم ۹۰ درصد افرادی که رو به تجمل‌گرایی افراطی آورده‌اند آنهایی هستند که طی دوره‌های کوتاه مثلاً پنج ساله اخیر ثروتمند شده‌اند. آن هم ثروتی که با رانت‌های مختلف به دست آمده است. این رانت که می‌گویم الزاماً دسترسی به یک منبع پولی یا تسهیلات بانکی نیست. گاهی ممکن است یک مجوز، رانت بسیار بزرگ‌تری باشد. از مجوز ساخت یک برج گرفته تا اضافه کردن بخشی به یک ساختمان. ببینید مثلاً می‌خواهید نمای خانه خود را تغییر دهید می‌روید به شهرداری و با کمک دوستی که در آنجا دارید مجوز می‌گیرید و نمای خانه را تغییر می‌دهید و بخش‌هایی هم به ساختمان اضافه می‌کنید. اما من چنین امکانی را ندارم. من و شما همسایه‌ایم و خانه‌هایمان تفاوت قیمتی با هم ندارد اما شما با کمک همین مجوزی که با رانت به دست آمده قیمت خانه را بالاتر می‌برید. در طول چند سال گذشته از این دست موارد زیاد بوده است. یا اینکه دولت در یک دوره زمانی کوتاهی به دلایلی نیاز داشته که حتماً یک کار را انجام دهد و مثلاً پروژه‌ای را به اجرا برساند و با توجه به محدودیت‌هایی که داشته و الزامی که در عملی کردن کار بوده آن را با قیمتی گزاف‌تر به دست شخص حقیقی یا حقوقی داده تا انجام دهد. شاید اگر این کار قرار بود در شرایط عادی انجام شود با استفاده از سیستم مناقصه و با زمان مناسب و با دوسوم هزینه و کارایی بهتر انجام می‌گرفت اما محدودیت‌ها مانع از این شده است و در نتیجه پول‌های گزافی به عده‌ای رسیده است.

• منظور از محدودیت‌ها همان تحریم‌هاست؟

بله. تحریم‌ها مشخصاً در این گونه موارد اثرگذار شده است. دولت به خاطر الزام‌ها و محدودیت‌ها کارهایی را واگذار کرده و قیمت‌های بالایی هم برای آن پرداخت کرده و افرادی که در این شرایط قرار گرفته‌اند بدون شک درآمدهای بالایی کسب کرده‌اند. در حالی که بخش خصوصی واقعی ما گردش مالی پایینی دارد. وقتی می‌گویم بخش خصوصی، منظورم چهره‌هایی است که چیزی در پس پرده ندارند و به اتاق بازرگانی و وزارتخانه‌های مختلف رفت و آمد دارند. کارهایشان مشخص و قابل پیگیری است. نه آنهایی که در پس پرده هستند و معلوم نیست چه می‌کنند.

• در گزارش موسسه کردیت سوئیس از ثروت ملل به‌دسته‌ای از کشورها عنوان ثروت‌های نوظهور داده شده است. کشورهایی که در دهه اخیر با جهش قابل توجه توانسته‌اند ثروت خانوار خود را به طرز قابل ملاحظه‌ای افزایش دهند. در این میان جایگاه ایران کجاست؟

متأسفانه ما به ثروت‌های نوظهور توجهی نکرده و نمی‌کنیم. این گزارش این کشورها را که دارای پتانسیل‌های خوبی هم هستند به سه دسته تقسیم کرده است. دسته اول کشورهایی هستند که اخیراً به عضویت اتحادیه اروپا درآمده‌اند یا تلاش می‌کنند که به آن بپیوندند. از جمله کشورهای بلوک شرق که سابقه چپگرایی دارند و تحت نفوذ کمونیسم بوده‌اند. دسته دوم کشورهایی در خاورمیانه و حوزه خلیج‌فارس همچون بحرین، لبنان و عربستان هستند که دلیل افزایش ثروت خانوارشان سرمایه‌گذاری‌های گسترده دولت بوده است و از طرف دیگر به خصوصی‌سازی پرداخته‌اند. دسته سوم هم کشورهایی از آمریکای لاتین مثل برزیل و شیلی و... را شامل می‌شود که رشد سریع دارند. نقطه مشترک این کشورها این است که در جملگی آنها پیش از این قدرت دولت‌ها زیاد و ثروت هم به طور کامل در اختیار دولت بوده است ولی در شرایط جدید نیروی تازه نفسی به میدان آمده که بخشی از بار توسعه را به عهده گرفته است.

• **در گزارش، مشخصاً از لهستان و رومانی به عنوان کشورهای نام برده شده که افزایش سه برابری ثروت داشته‌اند.**

این هم به خاطر پیگیری روند آزادسازی و خصوصی‌سازی‌ها بوده که ثروت را از دولت به بخش خصوصی انتقال داده است. اگر در کشور ما هم آزادسازی صورت بگیرد وضعیت اقتصادی ما طی ۱۰ سال آینده تغییر زیادی خواهد کرد. آزادسازی باعث می‌شود که افراد علاقه‌مند به فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری وارد صحنه شوند و از سرمایه‌ای که دارند و می‌توانند به‌دست آورند، استفاده بهتری داشته باشند.

• **از کشورهای حوزه خلیج فارس هم در این گزارش نام‌هایی می‌بینیم. کشورهای که از طرف اقتصاددانان تا یک دهه قبل متهم به خام‌فروشی و اتکای کامل به واردات بودند که تنها نفت و گاز می‌فروشدند و کالا وارد می‌کنند. اما همین اتفاق برای خود ما افتاده است. ما خام‌فروشی می‌کنیم و کالا وارد می‌کنیم اما آن کشورها وارد سرمایه‌گذاری‌های متعدد از توريسم گرفته تا صنعت گاز شده‌اند.**

در کشورهای حوزه خلیج فارس مساله این بود که افراد از پول نفت استفاده می‌کردند و کار نمی‌کردند اما فرآیند جهانی شدن باعث شد تا رشد متکی بر بهره‌وری به کشورهای در حال توسعه و حوزه خلیج فارس هم برسد. برای همین است که می‌گویم جهانی شدن منافعش برای کشورهای در حال توسعه بیشتر بوده است. اینکه ما خام‌فروشی می‌کنیم دلایل متعددی دارد. ما نمی‌بایست بیش از ۱۰۰ سال به خام‌فروش ادامه می‌دادیم. اما کشورهایی چون کویت و عربستان به این دلیل خام‌فروش هستند که پتانسیل تبدیل نفت به فرآورده‌ها را عموماً ندارند. ما توانایی تبدیل نفت خام به فرآورده را داریم اما عربستان و کویت فاقد آن هستند چون گستردگی و تنوع اقتصاد ما را ندارند. جدا از این اگر با کشورهای مثل هند و ترکیه همکاری نزدیک‌تر داشته باشیم وضعیت بهتری هم خواهیم داشت. اما عمده وارداتی که شما به عنوان کالاهای لوکس و تجملی مدنظران است به دلیل استفاده همان افرادی از درآمد است که طی دوره‌های کوتاه‌مدت و چندساله و با استفاده از رانت ثروتمند شده‌اند که بسیار فراتر از آن چیزی است که من و شما در ذهن خود متصوریم. افزایش درآمد نفت گروهی را بسیار ثروتمند کرده است. در دوران همین دولت فعلی حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلیارد دلار نفت فروخته شده است. می‌خواهید بدانید این چه مقدار پول است؟ به این نکته توجه کنید که ۷۰ کشور دنیا شامل کشورهای ثروتمند و توسعه‌یافته برای کمک به افغانستان جمع شده و بعد از کلی مذاکره تصویب کرده‌اند که ۱۶ میلیارد دلار آن را هم طی چهار سال به افغانستان بدهند. ۷۰ کشور خوشحال بودند که همه با هم می‌توانند سالی چهار میلیارد دلار به افغانستان کمک کنند در حالی که ما تنها در یک سال بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار نفت فروخته‌ایم. این ثروت بسیار زیاد است. زبانی که تحریم‌ها برای اقتصاد دارد همانند یارانه‌هاست. وقتی که در اقتصاد، یارانه وجود داشت منافعی در بین لایه‌های اقتصادی خوابیده بود که عده‌ای دانسته و ندانسته از آن منتفع می‌شدند. تحریم‌ها هم زبان‌های زیادی از این منظر برای اقتصاد دارد. تحریم‌ها هم می‌تواند به سود عده‌ای باشد. چون تحریم، رقابت را محدود می‌کند. امکان فروش کالا را در محیط رقابتی نمی‌دهد و باعث می‌شود در برابر زبان‌های کلی برای عده‌ای خاص منافعی هم در پی داشته باشد.

• **در گزارش ثروت ملل یک نکته دیگر هم بسیار قابل توجه بود. جایی که عنوان می‌شود بحران مالی اخیر در دوره مناسبی از رشد ثروت رخ داد. زمانی که جوامع و افراد در حال ثروتمند شدن بودند و به همین دلیل هم این بحران تنها یک عقب‌گرد مختصر بود. با این نظر موافقت می‌کنید؟**

از نظر من کاملاً گزاره درستی است. برای روشن شدن موضوع دو بحران را با هم مقایسه می‌کنیم، بحران کبیر در فاصله سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۲ و بحران مالی ۲۰۰۸. ابعاد این دو بحران توسط بسیاری از اقتصاددانان بارها با هم مقایسه شده است.

در دوران بحران کبیر اتفاقات بسیار بدی برای اقتصاد افتاد و موج بیکاری بسیاری از کشورها را فرا گرفت. حتی ایالات متحده آمریکا هم نرخ بسیار بالای بیکاری را تجربه کرد. نتایج و آثار بحران کبیر فاجعه‌بار بود. بحران سال ۲۰۰۸ هم می‌توانست همان ابعاد را داشته باشد و همان مشکلات را به وجود آورد اما ثروت موجود در جوامع و خانوارها مانع از این کار شد. پشتوانه قوی باعث شد تا مردم بتوانند زندگی و کار و به خصوص نگرانی خود را مدیریت کنند و آن نتایج فاجعه‌بار تکرار نشود.

• این گزارش و وضعیت ثروت خانوارها به طور ضمنی نشان می‌دهد که اقتصاد جهان به رغم تمامی مشکلاتی که برایش ایجاد شده رو به بهبودی است و در آن شاخص‌های رفاه و استانداردهای زندگی رو به جلو است. ثروت خانوار به جز آمریکای شمالی و اروپا به بالاترین حد خود رسیده است. آیا می‌توانیم این وضع را پایان دوره بحران اقتصادی و رکود بدانیم؟

طی ۱۰ سال گذشته ثروت خانوارها در دنیا دو برابر شده و از ۱۱۳ هزار میلیارد به ۲۳۱ هزار میلیارد دلار رسیده است. متوسط ثروت در دنیا ۵۱ هزار دلار است اما مساله همان نامتعادل بودن آن است. ثروت در بخش‌هایی از دنیا متمرکز شده است. مثلاً ۶۲ درصد ثروت دنیا فقط در آمریکا و اروپاست، ۲۸ درصد در آمریکا و ۳۴ درصد در اروپا. ولی این گزارش نشان می‌دهد که نوبت کشورهای نوظهور برای کسب ثروت شروع شده است. برزیل دارد می‌آید و این نقشه را به هم می‌زند. در چند سال آینده کشورهای زیادی مثل چین، کره، ترکیه، استرالیا و شیلی و... مطرح خواهند شد. هند هم در همین منطقه ما مطرح می‌شود. اگر ما دچار چنین مشکلاتی نبودیم ما هم جزء این کشورها بودیم. متوسط رشد درآمد در دنیا ۲/۵ تا ۳ درصد است ولی این گزارش رشد ثروت ۱۰ درصدی را هم نشان می‌دهد که توانسته ثروت را طی ۱۰ سال دو برابر کند که البته بخشی از آن به خاطر قیمت‌هاست و بخشی به خاطر فعالیت‌های توسعه‌ای که ثروت را بالا برده است. در دنیا اقتصاد در حال بهبودی است و وضعیت بهتری پیدا خواهد کرد. ما هم اگر به نوعی بتوانیم از پس مشکلات بریباییم در کنار چین، هند، برزیل و ترکیه می‌توانیم جزء کشورهایی باشیم که جهش بزرگی را در دهه آینده تجربه خواهیم کرد. ما وضعیت بهتری از ترکیه داریم هر چند شرایط ما با ترکیه شباهت‌های زیادی دارد. هم از نظر منطقه و هم از نظر پتانسیل‌ها شرایط تقریباً یکسانی داریم اما ما نفت و گاز هم داریم. با این همه ترک‌ها در چند سال اخیر از ما پیش افتاده‌اند. دلیلش چیست؟ اینکه به خانوارها امکان فعالیت می‌دهند. این در حالی است که در ترکیه گرایش چپ، ریشه بسیار قوی‌تری از ایران دارد. من این مساله را پیش از این هم بررسی کرده‌ام و چاپ شده است. با وجود احزاب چپ قوی و ریشه قوی چپ در ترکیه، در این کشور اجازه داده شد تا خانوارها و بنگاه‌ها رشد کنند، انباشت ثروت داشته باشند و در نهایت به توسعه کمک کنند. اما ما این پشتیبانی را نداریم و همان‌طور که گفتم دولت تمام مسوولیت را خودش بر دوش گرفته و از این قضیه شاید خوشحال است. در صورتی که باید بسیار نگران باشد. دولت باید این بار مسوولیت را بین مردم توزیع کند تا قدرت هم توزیع شود و توجه کند که این نه تنها به معنای آسیب زدن به دولت نیست بلکه با این توزیع، ضربه‌پذیری قدرت ملی هم کمتر و کمتر می‌شود. این همان کاری است که ترکیه کرده و ما هم باید این کار را بکنیم. تنها برای این کار باید خصومت کنار گذاشته شود.

• داخلی یا خارجی؟

هر دو. هم بار دولت کمتر می‌شود و هم امنیت بیشتر افزایش می‌یابد. علاوه بر تمام پتانسیل‌هایی که داشتیم پتانسیل‌های دیگری هم در شرایط پیش‌آمده در منطقه به آن اضافه شده که باید از آنها استفاده بهینه داشته باشیم.

• در گزارش، به کشورهایی با اقتصادهای کوچک اما پویا هم چون سوئیس، بلژیک، نروژ، سنگاپور، سوئد، فرانسه، استرالیا و حتی تونس اشاره شده که رشد ثروت بسیار خوبی داشته‌اند. این کشورها منابع چندانی ندارند اما آمار و ارقام ثروت‌شان جالب توجه است. این موفقیت را چگونه کسب کرده‌اند؟

این اقتصادها منابع زیادی ندارند اما به سرانه ثروت دنیا نگاه کنید. معادل ۵۱ هزار دلار است. در حالی که این رقم در سوئیس ۵۰۰ هزار دلار یعنی ۱۰ برابر متوسط جهانی است. متوسط ثروت خانوار در فرانسه ۲۰۰ هزار دلار، در ایران و ترکیه شاید ۱۰۰ هزار دلار و در هند ۱۰ هزار دلار است. اما این رقم برای کشورهایی در آفریقا زیر پنج هزار دلار است. تا چند دهه قبل منابع در تولید درآمد و ثروت نقش بسیار بالایی داشته‌اند. رشد اقتصادی بسیاری از کشورها بر اساس درآمد نفتی بوده است. اما حالا خام فروشی کم شده و کمتر هم می‌شود. رقابتی شدن اقتصادها و از بین رفتن رانت‌ها باعث شده تا فعالیت‌های اقتصادی مبنای تولید ثروت باشند. در این کشورهای با اقتصادهای پویا اگر فعالیت اقتصادی رقابتی نداشته باشید نمی‌توانید ثروتمند شوید. در کشوری مثل چین که رانت را از بین می‌برند رقابت تنها عامل پیروزی در اقتصاد می‌شود. یعنی فرد بر اساس علم، کارایی و فناوری و البته کمک دولت‌شان در استفاده از فرصت‌ها پولدار می‌شود.

• در کشور ما چطور؟

هنوز در کشورهایی مثل ایران و عربستان رانت وجود دارد. تمامی نمادهای لوکس‌گرایی که در کشور می‌بینید اگر بروید و بررسی کنید متکی بر رانت بوده است. فردی را می‌شناسم که اگر به قول شما بخواهد ماشین نیم‌میلیاردی بخرد می‌تواند برای تک‌تک اعضای خانواده‌اش در کوتاه‌ترین زمان ممکن این کار را انجام دهد اما هنوز با یک اتومبیل ساده این طرف و آن طرف می‌رود. وقتی از او پرسیدم که چرا برای خودت ماشین راحت‌تری نمی‌خری؟ گفت چون با پولی که می‌خواهم در آن ماشین راحت هزینه کنم می‌توانم در کارخانه‌ام تغییری برای کارایی بهتر بدهم یا برای چند نفر اشتغال ایجاد کنم. فردی که با استفاده از رانت پول دار شده همیشه فراری است. در هر شرایطی به فکر این است که خودش و سرمایه‌اش را از کشور خارج کند چون دائم ترس این را دارد که اتفاقی بیفتد و ثروتش را از دست بدهد یا اینکه مورد پرسش قرار بگیرد که چگونه این ثروت را به دست آورده است. اما کسی که بر اساس بهره‌وری پول‌دار شده در کشور خود می‌ماند و برای حفظ امنیت کشورش تلاش هم می‌کند.

• **در کشوری مثل ایالات متحده مثلاً در دو دهه قبل فرد با ۵۰ میلیون دلار ثروتمند و میلیونر بود. الان هم اگر فردی به چنین ثروتی برسد میلیونر و ثروتمند است. اما در کشور ما در دهه ۶۰ میلیونرها پولدار بودند در دهه هفتاد و هشتاد در اثر کاهش ارزش ریال، سقف این رقم آن قدر بالاتر رفت که در حال حاضر حتی میلیاردرهای ما هم ثروتمند نیستند.**

خب توضیح این سوال کمی سخت است. اگر پول محلی را کنار بگذاریم و با ارز مشترک دلار مقایسه کنیم شاید بهتر بتوان مقایسه را انجام داد. ضمن اینکه هزینه در کشورهای مختلف متفاوت است. به علت تغییر قیمت دلار ارزش برخی پول‌ها کاهش پیدا کرده است. اگر پول داخلی را به دلار تبدیل کنیم و با استفاده از قدرت خرید مقایسه کنیم شاید تصویر روشن‌تری به دست آوریم. شما اگر خانه‌ای صدمتری را در اینجا بفرشید و پولش را به دلار تبدیل کنید ممکن است بتوانید خانه‌ای بزرگ‌تر در ایالات متحده برای خود بخرید. اگر شما با همین پول به هند سفر کنید می‌توانید با قیمت‌های خیلی پایین‌تری کالا و خدمات بخرید. البته نباید تردید داشت که سرانجام، کاهش ارزش پول هم عاملی اثرگذار بوده است. افرادی هستند که خانه‌ای میلیاردی دارند اما به قول شما ثروتمند نیستند. ممکن است این افراد ثروت‌شان تنها در ازای بالا رفتن قیمت ایجاد شده باشد. وقتی کارخانه فولاد خوزستان یا ذوب‌آهن اصفهان را ایجاد می‌کنند تا شعاعی چند کیلومتری قیمت تمام‌داری‌ها اطراف افزایش می‌یابد. یعنی فعالیت‌های توسعه‌ای هم می‌تواند در افزایش ثروت موثر باشد. ولی آن ثروتی می‌تواند پشتوانه فعالیت اقتصادی قرار گیرد که از مسیر انجام کار و بهره‌وری حاصل شده باشد.

• **اگر بخواهیم بحث را به یک جمع‌بندی برسانیم بد نیست به این موضوع اشاره کنم که در گزارش ثروت جهان**

آمده که تا پایان سال ۲۰۱۶ ثروت جهان افزایشی ۵۰ درصد خواهد داشت. از طرفی هم همان بحث مهم انتقال ثروت و بزرگ شدن طبقه متوسط و جابه‌جایی قدرت مطرح است. به نظر شما رویکرد ما به آینده باید چگونه باشد تا سهم خود را از این تحولات حداکثری کنیم؟

اول یک حرف را تکرار کنم و آن هم تکیه بر پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های بسیار بالا و پرهیز از پرداختن به اموری است که در نفعی عایدمان نمی‌کند. نمی‌توان بر ثروت‌های بادآورده و رانتی تکیه کرد چون متکی بر کار و بهره‌وری نیست و زود از بین می‌رود یا از کشور خارج می‌شود. تمام ظرفیت‌هایی که اقتصاددانان پیش از این گفته‌اند مثل منطقه سوق‌الجیشی، گستره آب و هوایی، نیروی کار ماهر و متخصص عواملی است که باید از آن استفاده کنیم. بخش خصوصی ما باید قوی شود و مثلاً ۱۰ میلیارد دلار سرمایه در گردش داشته باشد نه مثل الان که گردش مالی آن به زور به یک میلیارد دلار هم نمی‌رسد. باید اجازه دهیم که بخش خصوصی واقعی و قوی شکل بگیرد و تولید ثروت کند و پای آن بایستد. دولت تنها بایستی ضوابط روان اما محکمی را برای نظارت داشته باشد و سیاست‌گذاری کند. اما در مرحله دوم باید به یک نکته مهم اشاره کنم. هیچ کشوری، تأکید می‌کنم، هیچ کشوری نتوانسته توسعه پیدا کند مگر اینکه قوه قضائیه مستقل و قضات مستقل، پاک، سالم و متخصص داشته باشد. باید نظام تظلم‌خواهی درستی داشته باشیم تا هر فردی بتواند از هر فرد دیگری که در حقش ظلمی کرده شکایت کند. باید بتوان از وزیر، رئیس و مدیر به این قوه قضائیه شکایت برد و اطمینان داشت که به این دعوی بدون رعایت ملاحظه و در اسرع وقت رسیدگی خواهد شد. این چیزی است که به نظرم هنوز کاملاً احساس نشده و نظام داورى ما هنوز به این مرحله نرسیده است. در عین حال هم چنان حاکمیت باید پیام امنیت سرمایه‌گذاری بدهد. مسائل دیپلماتیک و بین‌المللی را باید هر چه سریع‌تر حل و فصل کرد و باید کار اقتصادی را به دست بخش خصوصی سپرد و راه او را به بازارهای بین‌المللی باز کرد. فراموش نکنیم که در دهه در پیش روی رشد پایدار و ماندگار فقط در فضای رقابتی اتفاق می‌افتد؛ و امیدوارم هر چه زودتر به این درک برسیم که در نظام اقتصاد باز و رقابتی بخش خصوصی یک پتانسیل مهم است و باید چون پتانسیل‌های دیگر مملکت از آن استفاده شود.